



سلاح خطرناک تر از ناو

رئیس جمهور آمریکا... هی میگوید:
ما ناو فرستادیم طرف ایران! خیلی خب،
ناو البته یک دستگاه خطرناکی است اما
خطرناک تر از ناو آن سلاحی است
که میتواند این ناو را به قعر دریا فرو ببرد.



انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام
زمان ﷺ آماده کنیم ... سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام
مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و
روشن‌بینی دارد...

ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان ﷺ خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد،
امروز وظیفه‌ای نداریم، نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای
ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان ﷺ به معنای گوشه‌گیری نیست...
امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد،
این‌ها همان چیزهایی است که امام زمان ﷺ برای مبارزه با آن‌ها می‌آید. اگر ما
سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با این‌ها آماده کنیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان

در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۷/۳۰



ماهنامه **منهج** | اسفند ۱۴۰۴ | شماره ۹۰

صاحب امتیاز: بنیاد و مؤسسه فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس
مدیرمسئول: استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
سر دبیر: حجت الاسلام محمدحسین حدائق
هیأت تحریریه: خانم نادری، آقای غیبی

شیراز، خیابان زند، کوچه ۴۴ (مهدیه)، مجتمع
فرهنگی آموزشی مهدویت، بنیاد و مؤسسه
فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس



بنیاد و مؤسسه فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام



مؤسسه فرهنگی آموزشی حضرت مهدی موعود علیه السلام فارس

از علاقه مندان به مطالب مهدوی دعوت به
عمل می آید جهت استفاده از مطالب متنوع
مهدوی به سایت www.bonyademahdi.com
مراجعه نمائید.

شماره تماس: ۰۷۱-۳۲۳۰۲۳۱۵

فهرست مطالب

- سخن سردبیر **۴**
- انتظار زیبا **۶**
- در محضر شهدا **۹**
- دقایقی پای خاطرات استاد **۱۴**
- دلایل مخفی بودن زمان ظهور **۱۷**
- امام عصر علیه السلام در نهج البلاغه **۲۱**
- اندکی درنگ **۲۵**
- درک ظلم کلید ظهور **۳۱**
- در محضر علما **۳۷**
- باستانگرایی **۴۰**
- منتظر واقعی **۴۵**
- تلنگر **۵۰**
- گزارش تصویری **۵۳**

سخن سردبیر

بزرگترین دلیل طولانی شدن غیبت امام زمان عج، عدم آمادگی مردم برای پذیرش حکومت عدل جهانی حضرت ولی عصر عج است. مردم باید از نظر فکری، فرهنگی و معنوی به سطحی برسند که لیاقت حضور و پیروی از حضرت را داشته باشند و تا این آمادگی ایجاد نشود، بدون تردید جامعه در آتش غربت غیبت خواهد سوخت.

زمانی می‌توان منتظر ظهور بود که افکار عمومی جهان، تشنه عدالت و صلح بوده و آمادگی پذیرش یک رهبر الهی را داشته باشد. تا زمانی که ظلم، فساد و بی‌عدالتی در جهان حاکم باشد و مردم به دنبال تغییر و اصلاح نباشند، زمینه برای ظهور حضرت فراهم نخواهد شد.



در دعای ندبه می‌خوانیم: **أَيُّنَ الْمَعْدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ؟!** کجا است آن کسی که برای برکندن ریشه‌ی ظالمان و ستمگران مهیا و آماده گردیده است؟! این عبارت نشان می‌دهد که جامعه باید به سطحی از آمادگی برسد که بتواند با ظلم و ستم مبارزه کند و پذیرای حکومت عدل باشد. افراد در کنار یکدیگر باید مسیر رسیدن به ظهور را هموار کنند، لذا برطرف کردن موانع ظهور، گام مهمی در ایجاد آمادگی دارد.

عامل دیگر برای تحقق ظهور، وجود صفا و همدلی میان شیعیان است. صفا و همدلی در تلاش برای فراهم کردن مقدمات ظهور حضرت.

امام زمان علیه السلام در توقیع شریف خود به شیخ مفید می‌فرمایند: **وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَفَّهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا، وَكَتَعَجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛** اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعت‌شان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما.

این روایت به وضوح نشان می‌دهد که همدلی شیعیان، نقش مهمی در تعجیل در فرج حضرت دارد.

پس می‌توان گفت: غیبت، فرصتی است برای رشد و تکامل فکری و فرهنگی جامعه بشری و رسیدن به سطحی از آگاهی که آمادگی پذیرش حکومت عدل جهانی را داشته باشد.

به امید روزی که با طلوع خورشید عدالت، یلدای غیبت به پایان رسد و جهان، غرق در نور و شادی شود!

انتظار زیبا



ای زیباترین زیبایی‌ها و ای مهربان‌ترین

مهربانان و ای تجلی مهر خداوند در زمین! آرزوی

آمدنِ شما را داریم، آرزوی پایانِ غیبتان و آرزوی ظهورِ

موفورالسرورتان را.

آرزوی ما برای شما در حقیقت، برای انتظار و دلتنگی است، برای انسان،

برای درد، برای زمین درمانده، برای جلای دوباره‌ی آینه‌های زنگارگرفته

قرن‌ها جهالت و سلوت و روزمرگی و برای صیقلی دادن قلب‌های سیاه

شده از تنهایی...

به همین دلیل دلمان برای ورود شما لحظه شماری می‌کند و چنجره‌ی ما

شما را فریاد می‌زند، شما که تجلی عشق هستید.

ما قنوت نمازهایمان را طولانی می‌کنیم تا شاید نیمه شبی مشمول دعای

شما شویم، گرچه خود فرموده اید که هر لحظه دوستانانتان را دعا می‌فرمایید:

إِنَّا غَيْرُ مُعْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ

وَ اضْطَلَمْتُكُمْ الْأَعْدَاءُ؛ ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد

نبرده ایم که اگر جز این بود، گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان شما

را ریشه کن می‌کردند.

ای روایت گر فتح و پیروزی! همه‌ی ما در کوچی فانوس‌ها منتظران

هستیم، با دستانی پر از فانوس و چشم‌هایی پر از انتظار، منتظر صبحی که

فانوس‌های انتظار را خاموش کنیم.

ای وارث بدر و حنین! هر روز چراغ دلمان را با جامه‌ی کبیره، روشن

می‌کنیم و سفره افطارمان را با آل یاسین و عهد، تزیین می‌نمائیم و برای
تعبیل در ظهور شما، هر پنج شنبه، کمیل زمزمه می‌کنیم و هر صبح آرزوی
آسمانِ دلمان را بر از ندبه می‌نمائیم تا بلویم ای صاحب عصر و زمان عاشقِ اقبال
در انتظارِ دولتِ شما، دستِ دعا به بارگاه جبروتی پروردگار گشوده‌ایم و از خداوند
می‌خواهیم آن لحظاتی سرشار از شادی را هر چه زودتر بر ایمان رقم بزند تا در
سایه‌ی دولتِ کَریمه‌ی شما، پیروزی حَقّ و حقیقت را شاهد باشیم...

ای دلگرمی بی‌پناهان! بدون شما دفتر دلمان پر است از مشوّح‌های انتظار
و ما با دلمان می‌خواهیم آن روز که می‌آید زیباترین مدالِ ایشار را تقدیم نگاه
مهربانِ شما نمائیم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

در محضر شاعر

تشریح وضعیت

یدام می‌آید موقع تولد دختر اولم، چند بار به من زنگ زدند که خودم را به اصفهان برسانم. اما من نمی‌خواستم از آبادان بیرون بروم. خانمی که پرستار بیمارستان شهید بهشتی اصفهان بود، به من زنگ زد. گفتم: بفرمائید.

آن خانم هم با عصبانیت و بدون مقدمه گفت: آقا شما خیلی بی‌غیرت هستی! و پشت بندش، خیلی توهین کرد. می‌گفت: دختری مردم را می‌گیری و دنبال کار خودتان می‌روی، خُب، اگر می‌خواستی به جبهه بروی، چرا اصلاً زن گرفتی؟! این پرستار خیلی به من بد و بیراه گفت.

جریان از این قرار بود که خانمم نیاز به عمل داشت و من باید می‌رفتم و امضا می‌دادم.

گفتم: خانم مگر الان شما به عنوان یک پرستار با تجربه آن جا نیستید؟ گفت: بله، خُب که چی؟ گفتم: بیمارستان مجهز هم هست و دکتر و پرستار هم فراوان و در دسترس؟ گفت: بله حرفِ آخرت را بزن. گفتم: سه تا خواهر و سه تا برادر و یک پدر و مادر هم بالای سر خانم من هستند؟ گفت: من منظور شما را نمی‌فهمم. گفتم: حالا من به خاطر یک امضا، اگر بخواهم به اصفهان بیایم، بعد در این جا، یک دفعه چند نفر مجروح شوند و من نباشم آن‌ها را به بیمارستان برسانم و این‌ها شهید شوند، خوب است یا این که این جا باشم و به آن‌ها رسیدگی کنم و شهید نشوند؟ پرستار کمی مکث کرد و بعد گفت: نه، اگر آن جا نباشی و آن‌ها شهید شوند که خوب نیست. گفتم: خانم پرستار این جا وضعیت من، این‌طور است.

بعد از این ماجرا، آن خانم پرستار که شوهرش هم دکتر بود، شوهرش را راضی

می کند که ما باید به جبهه برویم و در آن جا به مجروحان خدمت کنیم. آن زن و شوهر دکتر و پرستار به دزفول آمدند.

یکی از کارهای آن ها این بود که از اصفهان و شهرهای دیگر کامیون، کامیون، دارو تهیه می کردند و برای جبهه و به مناطق عملیاتی ارسال می کردند. این زن و شوهر تا آخر جنگ هم در دزفول ماندند و خدمت کردند.^۱

انجام وظیفه

با وجود این که حاج مهدی علاقه و محبت شدیدی نسبت به من و دخترش داشت اما هیچ گاه این محبت، مانع از انجام وظیفه اش نشد. در اهواز که بودیم بعضی شب ها، حاجی به منزل می آمد. در یکی از آن شب ها که نزدیک عملیات والفجر هشت بود. از حاجی پرسیدم: حاجی عکس دخترمان را که قبلاً برایتان فرستاده بودم، کجاست؟ زینب دختر اولمان بود و حاجی بیش از اندازه او را دوست داشت.

دیدم اشک در چشمان حاجی جمع شد و با حالت بغض آلودی گفت: آن موقع که عکس را برایتان فرستادی، من در خط مقدم بودم، بر خلاف میل باطنی ام، عکس را پاره کردم، تا محبت او مانع از انجام وظیفه ام نشود. بعدها حاجی برایتان نقل کرد همان شب، یعنی شب عملیات والفجر هشت،

در محضرش

که پیش من و زینب بود. از لحظه‌ای که خوابیده تا لحظه‌ای که بلند شده، سعی کرده، نگاهش را به سمت ما برنگرداند. وقتی علت را از حاجی پرسیدم، در جواب گفت: پیش خودم فکر کردم، اگر لحظه‌ای به طرف زینب نگاه کنم، شاید عاطفه پدری بر من غلبه کند و قدمهایم برای عملیات، سست شود. شاید وسوسه شیطان، مزاحم کارم شود. اگر ذره‌ای دلم را پیش شما می‌گذاشتم، ممکن بود خدای نکرده، کُندی در کارهای جبهه پیش بیاید.^۲

////// آخرین دیدار //////////////////////////////////////

آخرین گفت‌وگوی من با پدرم، شب قبل از حادثه بود، شبی که هیچ‌وقت از ذهنم پاک نمی‌شود. آن شب همه در خانه‌ی مادر بزرگم جمع بودند. حوالی ساعت ۶ یا ۷ عصر بود که پدرم با من تماس گرفت و پرسید: کجایی؟ گفتم: خونه.

پرسید: این جا نمی‌آیی؟ گفتم: شاید اوادم، فعلاً ماشین ندارم. او با همان مهربانی همیشگی گفت: بیا، تا همدیگر را ببینیم. می‌خواستم بعد از شام بروم و او را ببینم اما دلم بی‌قرار شد و زودتر رفتم و آن شب را کامل کنار پدر گذراندم تا حوالی نیمه‌شب، کنار هم نشستیم، حرف زدیم و لحظه‌های شیرینی را رقم زدیم. همیشه هنگام سلام و خداحافظی، همدیگر را در آغوش می‌گرفتیم و آن شب هم همین‌طور شد. اما امروز احساس می‌کنم چقدر کم بود...، چقدر کوتاه بود...^۳

////// نماز شکر //////////////////////////////////////

فرمانده یگان فاطمیون خاطره‌ای از آرامش سردار شهید حاج قاسم

سلیمانی در مقابل جنگنده‌های آمریکایی را این گونه روایت می‌کند: ما معمولاً برای سرکشی به مناطق تحت درگیری با هلی کوپتر در رفت و آمد بودیم. یکی از روزهایی که منطقه «حنف» در مرز عراق و سوریه از دست داعش آزاد شده بود، بنا به دستور حاج قاسم قرار شد، به آن جا برویم تا سری به وضعیت منطقه و نیروها بزنیم و از اوضاع مطلع شویم... آمریکایی‌ها هم اعلام کرده بودند: تا مدار ۵۵ درجه این منطقه، کسی حق ندارد نزدیک شود... هنگام پرواز حاجی شروع به یادداشت مطالبی در دفترش کرد.

هم‌زمان جنگنده‌های آمریکایی هم با دیدن هلی کوپتر ما، تلاش می‌کردند ما را از مسیرمان منحرف کنند. البته آن‌ها نمی‌دانستند هلیکوپتر حامل چه شخصیتی است.

من که مضطرب شده بودم، چند بار به حاجی گفتم: جنگنده‌ها دارند به ما نزدیک می‌شوند. اما ایشان با آرامش به نوشتن ادامه داد و حتی سرش را هم بلند نکرد که نگاه‌شان کند... چند دقیقه بعد به منطقه که رسیدیم، سردار سلیمانی در نقطه صفر مرزی نماز شکر خواند و برگشتیم...^۴

۱- آبادان لین ۱، خاطرات حاج سیدکریم حجازی، مسئول بنیاد شهید آبادان در دوران دفاع مقدس، اثر: نعمت الله سلیمانی خواه

۲- کتاب در کنار دریا، خاطرات شهید مهدی طیاری ایلاقی، نوشته: علی اصغر جعفریان، ص ۸۵

۳- فائزه ترکاشوند، فرزند شهید حجت‌الاسلام علی ترکاشوند شهید جنگ ۱۲روزه

۴- من قاسم سلیمانی هستم؛ سرباز ولایت، ناصر کاوه، صص ۵۱-۵۰



دقایقی پای خاطرات استاد

شیرین ترین نماز

زمانی در ستاد اقامه نماز درخواست کردیم، دخترخانم‌ها و آقا پسرها شیرین‌ترین نمازی را که خوانده اند، برای ما بنویسند و بفرستند. یک دختر یازده ساله یک نامه نوشته بود که با خواندن آن، همه ما بُهت زده شدیم، دختر یازده ساله ما ریش سفیدها را به تواضع و کرنش، واداشت. او نوشته بود، شیرین‌ترین نمازی که خواندم این بود: با اتوبوس به مسافرت رفته بودیم. یک مرتبه دیدم خورشید در حال غروب است و من نماز نخوانده ام. به پدرم گفتم: نماز نخوانده ام، گفت: حالا که این جا بیابان است و ما توی جاده هستیم. گفتم: بابا! به راننده بگویید، نگه دارد. گفت: راننده به خاطر یک دختر بچه نگه نمی‌دارد. گفتم: التماسش کنید. گفت: نگه نمی‌دارد.

گفتم: حالا شما به او بگویید. گفت: گفتم، نگه نمی دارد، بشین، حالا بعداً
قضا می کنی.

دیدم هنوز خورشید غروب نکرده و فرصت هست. بازگفتم: بابا خواهش
می کنم. پدرم عصبانی شد. گفتم: بابا! می شود امروز اجازه بدید من تصمیم
بگیرم؟ گفت: هر غلطی می خواهی بکن.

ساکی داشتیم، زیپ ساک را باز کرده و یک شیشه آب درآوردم، زیر صندلی
اتوبوس هم یک سطل بود، آن سطل را هم بیرون آوردم. وسط اتوبوس
شروع به وضو گرفتن کردم (خداوند در قرآن می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا**)؛ قطعاً کسانی که ایمان آورده و کارهای
شایسته انجام داده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان [در دل ها] محبتی
قرار خواهد داد.

آری! کسانی که برای خدا حرکت کنند، مهرش را در دل ها می اندازیم به
شرطی که اخلاص داشته باشند و نخواهند خودنمایی کنند، شیرین کاری
کنند، واقعاً دلشان برای نماز بسوزد، نخواهند پُز بدهند.)

شاگرد راننده، دید من وسط اتوبوس نشسته، دارم وضو می گیرم. گفت: دختر
چکار می کنی؟ گفت: آقا وضو می گیرم ولی سعی می کنم آب به اتوبوس نچکد،
می خواهم روی صندلی نشسته، نماز بخوانم. شاگرد کمی نگاه کرد و چیزی
نگفت. به راننده گفت: عباس آقا! بین این دارد وضو می گیرد.

راننده هم همین طور که جاده را نگاه می کرد، در آینه دختر را هم می دید،
مهر دختر در دل راننده نشست، گفت: دختر عزیزم می خواهی نماز بخوانی؟
من نگه می دارم. ماشین را کنار کشید و گفت: دختر گلم! برو نماز بخوان!

آفرین، چه راننده‌های خوبی داریم، البته راننده بد هم داریم که هرچه می‌گویی و ایسا! برای یک سیخ کباب می‌ایستد اما برای نماز نمی‌ایستد. در هر قشری همه جور آدمی هست.

دختر نوشته بود: وقتی اتوبوس ایستاد، من پیاده شده و شروع به نماز خواندن کردم: الله اکبر!

یک مرتبه اتوبوسی‌ها نگاه کردند، او گفت: من هم نخواندم، من هم نخواندم، او گفت: ببین چه دخترِ باهمتی، چه غیرتی، چه همتی، چه اراده ای، چه صلابتی، آفرین! همین دختر روز قیامت حُجت است. خواهند گفت: این دختر اراده کرد، ماشین ایستاد.

او نوشته بود: یکی یکی آن‌هایی هم که نماز نخوانده بودند، ایستادند، یک مرتبه دیدم پشت سرم کلی آدم دارند، نماز می‌خوانند. این شیرین‌ترین نماز من بود.

اثر

شخصی به من گفت: آقای قرائتی! در تلویزیون مثالی زدی که مرا حسابی تکان داد! مثال این بود که گفتی: اگر یک نوار ده تومانی داشته باشی، حاضر نیستی صدای گربه، روی آن ضبط کنی، ولی حضری روی نوار مغزت هر چرت و پرتی را ضبط کنی! چرا شنیدن دروغ و تهمت و غیبت و ... برایت بی اهمیّت شده است؟!^۲

۱- مریم/۹۶

۲- کتاب زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی، گردآورنده: محمدرضا جعفرآقایی با کمی دخل و تصرف



دلایل مخفی بودن زمان ظهور

مهدویت یکی از اندیشه‌های ریشه دار فرهنگ غنی اسلام است که از زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ مطرح شده و همواره مظلومان عالم را امیدوار نموده است. از این رو، همواره این پرسش در ذهن مسلمانان شکل گرفته که زمان ظهور آن موعود کی خواهد بود؟ به گونه‌ای که حتی قبل از ولادت آن حضرت برخی از پیروان اهل بیت علیهم‌السلام از ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره زمان آغاز آن تحول بزرگ و قیام جهانی پرسش‌های فراوانی نموده اند و آن بزرگواران زمان ظهور آن حضرت را از اسرار الهی دانسته و وقت گذاران را تکذیب کرده اند چرا که حکمت خداوند، اقتضا نموده که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام در میان مردم، نامعلوم و از آنان پوشیده باشد، به همین جهت مردم نمی دانند که آن حضرت به طور دقیق چه وقتی ظهور خواهد کرد. با وجود روایات بسیاری

که از پیامبر گرانقدر و ائمه معصومین علیهم السلام پیرامون ابعاد گوناگون حیات امام عصر علیه السلام رسیده اما در هیچ روایتی به زمان ظهور اشاره نشده؛ بلکه در روایاتی به شدت نهی شده است. با سیری کوتاه در بیانات نورانی ائمه اطهار علیهم السلام درباره وقت ظهور در می‌یابیم:

- علم و آگاهی از زمان دقیق ظهور تنها نزد خداوند است. وقتی شاعر بلندآوازه شیعی در محضر امام رضا علیه السلام در ضمن قصیده خود سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام بر زبان جاری ساخت، آن حضرت در حالی که اشک از دیدگان مبارکشان جاری بود، رو به دعبل کرده و فرمودند: ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت این دو بیت را جاری ساخت. آیا می‌دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می‌کند؟ آنگاه خود آن حضرت به معرفی آن امام پرداخته و درباره زمان ظهورش فرمودند: این که چه زمانی [ظهور خواهد کرد]، این خبر دادن از وقت است. پدرم از پدرش و ایشان از پدرانم از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که وقتی از آن حضرت پرسیده شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مَثَل او مَثَل قیامت است که [خداوند درباره زمان وقوع آن چنین فرمود]: هیچ کس جز او به هنگامش آن را آشکار نمی‌سازد...^۱

پس همان گونه که علم به زمان قیامت فقط در اختیار خداوند است، علم به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز نزد خداوند قرار دارد.

- همواره معصومین علیهم السلام مردم را از تعیین وقت درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام برحذر داشته و وقت گذاران را تکذیب کرده اند. امام باقر علیه السلام در پاسخ به این پرسش فضیلت که آیا زمان ظهور تعیین شده است؟ فرمودند: وقت گذاران

دروغ می گویند و این جمله را سه بار تکرار فرمودند.^۲ پس تحقق این امر به اراده و مشیّت الهی برمی گردد. حالا بعضی می گویند که یک سری از علائم آخرالزمان را مشاهده می کنیم یا بخشی از علائم، در روایات، جامه‌ی عمل پوشیده، اما باید گفت این علائم، نشانه‌های قطعی ظهور نمی‌باشد.

در روایتی امام عصر^{علیه السلام} می فرمایند: **مَنْ ادَّعَى الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ**؛^۳ هرکس قبل از قیام سفیانی و صیحه‌ی آسمانی، ادعای مشاهده کند، دروغ گو است.

حکمت‌های مخفی بودن زمان ظهور

در پایان ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مخفی بودن زمان ظهور حضرت مهدی^{علیه السلام} دارای حکمت‌های فراوانی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

* کسی که منتظر شخص دوست داشتنی است و وقت آمدن او را نمی‌داند، همیشه در حال انتظار به سر می‌برد و همیشه در صدد پیاده کردن دستورات وی است. اما اگر بداند که زمان آمدن او بسیار دور است، مأیوس شده و خود را آماده نمی‌کند.

* معین نبودن وقت ظهور، برای مردم يك نوع امتحان است تا معلوم گردد آیا مردم با این همه سختی، روحیه خود را از دست می‌دهند یا خیر؟
* گاه مصلحت در تقدم و تأخر زمان غیبت است که این کار با معین بودن زمان ظهور امکان پذیر نیست. در قصه ملاقات حضرت موسی^{علیه السلام} با خداوند از سی روز به چهل روز، عده ای به انحراف کشیده شدند.

✱ در صورت معین بودن ظهور، دشمنان حضرت در صدد مقابله با حضرت برمی آیند. لذا در روایات اسلامی از عنصر ناگهانی بودن ظهور، به عنوان عنصر اساسی در پیروزی حضرت یاد شده است.

✱ در صورت عدم تعیین وقت ظهور، حالت انقطاع و توجه و تضرع خاصی بر انسان حاکم می شود که چه بسا این امر، سبب تعجیل در فرج امام زمان  گردد.

✱ از آن جایی که ممکن است ظهور حضرت به طول انجامد، لذا وقت آن معین نشده تا مردم مأیوس نشوند و با احتمال ظهور حضرت در هر لحظه حالت انتظار مثبت را از دست ندهند.^۴

۱- کمال الدین، ج ۲، ب ۳۵، ج ۶، صص ۶۲-۶۳

۲- الغیبة طوسی: ۴۲۶ / ۴۱۱

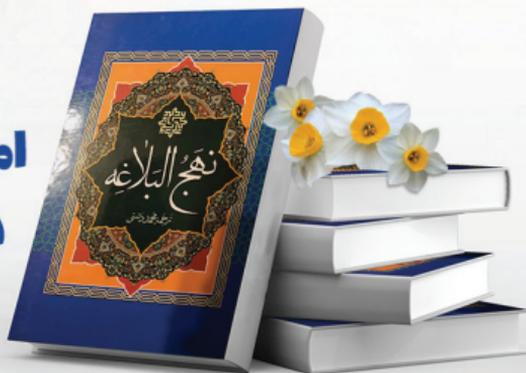
۳- کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ج ۴۵، ص ۲۹۵

۴- موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص ۵۴۹

سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کتاب وزین نهج البلاغه، بیانگر اسلام راستین است. سخنان ایشان در این کتاب شریف که از اعتبار سندی بالایی برخوردار است، می تواند معیار و الگویی باشد تا بر اساس آن واقعیت های وجود امام زمان علیه السلام روشن گردد. امیر مؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه علاوه بر معرفی امام زمان علیه السلام، به یاران خود و اوضاع قبل از ظهور اشاره ای کرده و این اشاره تا حد امکان، قادر به آماده سازی مردم و جامعه برای ظهور منجی موعود خواهد بود.

نهج البلاغه آینه ای است که سیمای پر فروغ مهدی آل محمد علیهم السلام در آن گرچه اندک، ولی زیبا، پرجاذبه، نویدبخش و تحرک آفرین معرفی شده و همچون جام بلورینی است که سخنان امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره ی فرزندشان مهدی موعود علیه السلام در آن ریخته شده است. در این جا ما سعی می کنیم به جلوه ای کوتاه از سیمای پر فروغ حضرت مهدی علیه السلام در آینه ی نهج البلاغه بپردازیم.

امام عصر علیه السلام در نهج البلاغه



استمرار خلافت الهی

از جمله مسائل مهم و اساسی در بحث مهدویت، بحث خلافت الهی است. اصل خلافت از قلمرو نبوت و رسالت فراتر رفته و به امامت رسیده است. به این دلیل در بحث مهدویت، جریان استمرار خلافت الهی در زمین، از مباحث ظریفی است که نمی توان از کنار آن به سادگی گذشت.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در کلام مبسوطی در این باره می فرماید: لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ يَحْجِجُهُ، إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا، أَوْ خَائِفًا مَعْمُورًا لئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ؛^۱ زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند یا آشکار و شناخته شده یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود ... آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خداوند. آه، آه، چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم.

در کلام پربرکت امیرمؤمنان علیه السلام بر این نکته تأکید شده که بر اساس سنت قطعی الهی، زمین از وجود خلیفه و حجت حق، خالی نیست گرچه حجت الهی گاهی آشکار است و همگان ایشان را می بینند و گاهی شرایط ایجاب می کند که از نظرها پنهان بوده و مردم به طور مستقیم از درک محضر ایشان، محروم باشند. این نکته همان حقیقتی است که در مکتب اهل بیت علیهم السلام مورد عنایت ویژه قرار گرفته است.

ابن ابی الحدید می نویسد: شخصی را که خدا برمی انگیزد، از اهل بیت است و این سخن اشاره به مهدی آخرالزمان می باشد^۲

پس می‌توان گفت: در فرمایشات امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، وجود حضرت مهدی (عج) در عالم به عنوان حجت الهی و استمرار خلافت ایشان در زمین ضرورتی انکارناپذیر است، چرا که ایشان واسطه فیض الهی در عالم هستی بوده و عالم و آدم در پرتو ایشان، فیض الهی را دریافت می‌کنند.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: لَوْ أَنَّ الْأَمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ لَمَجَّتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ؛^۳ اگر حجت الهی لحظه‌ای از زمین برداشته شود، زمین همانند دریا، دچار موج طوفان می‌گردد.

هم چنین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه ۱۰۰ می‌فرمایند: أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ؛ إِذَا حَوَى نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلَتْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ، وَ أَرَاكُمْ (أَتَاكُمْ) مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ؛ آگاه باشید که آل محمد (علیهم السلام) چونان ستارگان آسمان هستند، اگر ستاره‌ای غروب کند، ستاره‌ی دیگری طلوع خواهد کرد (تا ظهور صاحب زمان (عج)).

نجات مظلومان

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: وَ إِنْ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ، لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعَ شَعْبًا وَ يَشْعَبَ صَدْعًا؛^۴ بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی (عج)) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد و بر همان سیره و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع آوری می‌کند.

ابن ابی الحدید، از علمای بزرگ اهل سنت در شرح نهج البلاغه خود در ذیل

این کلام حضرت می گوید: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) یادآوری نموده که مهدی آل محمد^{علیهم السلام} در تاریکی فتنه ها، با چراغ روشن هدایت، ظهور می کند و مردم را از بردگی و اسارت رهایی داده و مظلومان ستم دیده را از دست ستمگران نجات می دهد.^۶

حکومت مهدوی

بی تردید یکی از مهمترین موضوعات در حکومت مهدوی، موضوع ایجاد عدالت است و چون واژه‌ی عدالت در فرهنگ و اصطلاح نهج البلاغه، بلکه در تمام کلمات علوی، بیت الغزل سخنان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است، از این رو در بحث مهدویت نیز بر عنصر عدالت تأکید شده و از پدید آمدن عدالت در ایجاد گوناگون در زمان حکومت حضرت مهدی^{علیه السلام} خبر داده و می فرمایند: وَ سَيَأْتِي عَدُوَّ بَمَا لَا تَعْرِفُونَ، يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَلَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَتُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ أَقَالِيدَ كَيْدِهَا وَتَلْقَى إِلَيْهِ سَلْمًا مَقَالِيدِهَا، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرَةِ وَيُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؛^۷ آگاه باشید فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری، حاکمیت پیدا می کند (حضرت مهدی^{علیه السلام}) که غیر از خاندان حکومت های امروزی است، عمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین، میوه های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر^{صلی الله علیه و آله} را که تا آن روز متروک مانده، زنده می کند.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۰، بند ۳

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰، بند ۲

۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۱۶

۷- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، بند ۱

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، بند ۵

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۷،

صص ۹۴-۹۵

۳- اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، کتاب الحجة،

باب: انّ الارض لاتخلوا من حجة، ص ۲۵۱

رضایت

امروز جمعہ نیست اما عجیب دلم تنگ است. قرار نیست فقط غروب جمعہ سراغشان را بگیریم و حال دلمان دگرگون شود. ایشان امامِ تمام عصرها و زمانهاست. نور تمام روزهای ماست و چراغ تمام شبهای تاری ما. روشنی هر صبح، از خورشید وجود ایشان است. وجود مبارک حضرت، هدایتگر تمام لحظات عمر ماست.

دل بستگی به ایشان چیزی نیست که در طول هفته از یادمان برود یا در میانهی تقویم گم شود. وای از دوشنبه و پنجشنبهای که نامهی اعمالمان را به ایشان عرضه کنند و روسیاه شویم. وای از روزهایی که کسی از شیعیان ایشان، به یادشان نباشد و ایشان چشم انتظار بمانند. مثل پدری که انتظار آمدن

اندکے درنگ

فرزند فراموشکارش را می‌کشد.

کاش بندهای دنیا را از دست و پیمان باز کنیم و نگذاریم لحظه‌ای بی‌یادشان بگذرد. کاش رضایت ایشان را در برنامه و لیست کارهای هر روزمان قرار دهیم. امان از لحظه‌ای که حضرت به یاد ماست ولی ما نه. امان از روزهایی که دست‌هایشان جهت دعا برای ما بلند است و ما در بند دنیاییم.

کاش نگذاریم لحظه‌ای بی‌یادشان، سپری شود چرا که هیچ کس به اندازه ایشان خیر و خوبی ما را نمی‌خواهد و هیچ چیز به اندازه‌ی رضایت ایشان ارزش ندارد.

دعا

از کنار سرداب مقدس سامرا عبور می‌کرد،
صدایی را شنید و

اندکے درنگ

بہ آہستگی پایین رفت. امام زمان علیہ السلام

را دید کہ مشغول دعا کردن بوده و می فرمودند: خداوندا!

شیعیان ما از شعاع نور ما و از باقیمانده گل ما خلق شده اند و

با تکیہ بر محبت و ولایت ما گناہان زیادی مرتکب می شوند. پس اگر

گناہانشان میان تو و آن ہاست، بہ لطف و کرم، از آنان درگذر و ما را

خشنود کن و اگر گناہانشان میان خودشان است، میانشان آشتی برقرار ساز

و از خمس ما بہ ایشان بدہ تا راضی شوند. خدایا! آنان را وارد بہشت کن و از

آتش دوزخ، نگاہشان دار.

سید بن طاووس، این دعاہا را می شنید و آمین می گفت!

آدرس دقیق

مرحوم حاج محمد رضا سقازادہ کہ یکی از وعاظ

توانمند بود، نقل

اندکے درنگ

می کند: روزی به محضر یکی از علمای

بزرگ و مجتهد مقدس و مُهذب، حاج ملاعلی همدانی،

مشرف گشتم و از ایشان درباره مرقد حضرت زینب علیها السلام جویا

شدم. ایشان در پاسخ فرمود: روزی مرحوم آیت ا... العظمی آقا ضیاء

عراقی (که از محققین و مراجع تقلید بود) فرمودند: شخصی شیعه مذهب

از شیعیان قطیف عربستان، به قصد زیارت امام رضا علیه السلام عازم ایران می گردد،

اما در بین راه، پول خود را گم می کند. حیران و سرگردان می ماند و برای رفع

مشکل متوسل به حضرت بقیه الله امام زمان علیه السلام می گردد.

در همان حال سید نورانی را می بیند که به اومبلیجی مرحمت کرده و

می فرماید: این مبلغ تو را به سامرا می رساند، چون به

آن شهر رسیدی، پیش وکیل ما حاج میرزا حسن

شیرازی می روی و

اندکے درنگ
اندکے درنگ

به او می گویی: سید مہدی می گوید
مقداری پول از طرف من به تو بدهد کہ تو را به مشہد
برساند و مشکل مالیت را برطرف سازد، اگر او نشانہ خواست،
به او بگو: امسال در فصل تابستان، شما با حاج ملاعلی کنی طہرانی
در شام، در حرم عمہ ام مُشرف بودید، ازدحام جمعیت باعث شدہ بود کہ
حرم عمہ ام کثیف گردد و آشغال ریختہ شود، شما عبا از دوش گرفتہ و با آن
حرم را جاروب کردید و حاج ملا علی کنی نیز آن اشغال ہا را بیرون ریخت و
من ہم در کنار شما بودم!
شیعہ قطیفی می گوید: چون بہ سامرا رسیدم، بہ خدمت مرحوم
شیرازی شرفیاب شدہ و جریان را بہ عرض ایشان
رساندم.

اندکے درنگ

بی اختیار در حالی که اشک شوق می ریخت، دست در گردنم انداخت و چشمهایم را بوسید و تبریک گفت و مبالغی را برایم مرحمت کرد. چون به تهران آمدم، خدمت حاج آقا کنی رسیده و جریان را برای ایشان نیز تعریف نمودم. ایشان تصدیق کردند ولی بسیار متاثر گشتند که ای کاش این نمایندگی و افتخار نصیب او می شد.^۲

- ۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲
۲- عباس عزیزی، ۲۰۰ داستان از فضایل، مصایب و کرامات حضرت زینب (ع)، صفحه ۱۷۴ و ۱۷۵

اندکے درنگ

این روزها شاهدِ حوادثی در سطح جهان هستیم که تعجب همگان را برانگیخته است، واقعاً جهان به کدام سمت و سو می‌رود؟ این جملات را در ذهن خود مرور کنید:

دبیر کل سازمان ملل متحد: مداخله آمریکا در ونزوئلا امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند. رابینا شمداسانی، سخنگوی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، به خبرنگاران گفت: این رویداد پیامی می‌فرستد مبنی بر این که قدرتمندان می‌توانند هر طور که بخواهند، عمل کنند.^۱

همین طور این جملات ترامپ در مورد ونزوئلا، کانادا، گرینلند را مرور کنید: - رئیس‌جمهور آمریکا گفت: عملیات بازداشت نیکلاس مادورو رئیس‌جمهور ونزوئلا را به صورت زنده از طریق صفحه تلویزیون، دنبال کردم. او گفت: ایالات متحده اکنون در حال اتخاذ تصمیم درباره گام بعدی در قبال رهبری سیاسی ونزوئلاست.^۲

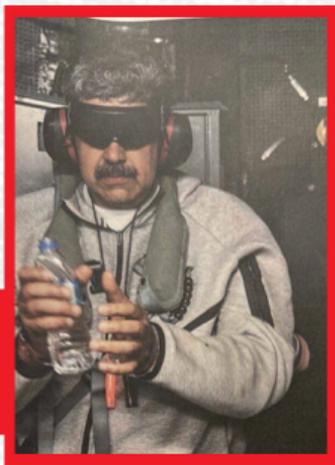
درکِ ظلم

کلیدِ ظهور

- رئیس‌جمهور آمریکا در پلتفرم خود به نام Truth Social نوشت: کانادا باید به پنجاه و یکمین ایالت آمریکا تبدیل شود تا مالیات‌های خود را کاهش داده و تعرفه‌های خود را حذف کند.^۳

- ترامپ در مورد گرینلند هم گفت: هیچ چیز الان به جز گرینلند برایم مهم نیست که در نهایت گرینلند را به نحوی تصاحب خواهیم کرد، من آن جا را می‌خواهم.^۴

و حال نگاهی به آن چه در غزه رقم خورد و در حال رقم خوردن است، داشته



باشید، ظلمی ویرانگر به مردمی مظلوم و بی پناه، قتل عامی بی شرمانه توسط رژیم سفاک و حمایتی صریح و بی پرده از او توسط کسی که خود را ابرقدرت و آقای جهان می‌نامد.

به لبنان نگاه کنید، یمن را ببینید، حمله به کشور عزیز ما، آن هم میانه مذاکرات به صورت وحشیانه و ناجوانمردانه و شهادت عده‌ای از عزیزترین و بهترین فرماندهان و عده‌ی کثیری از هموطنان عزیزمان اعم از زن و مرد و کودک و...

هم چنین وحشی‌گری‌های عده‌ای داعش صفت در حوادث تلخ دیماه ۱۴۰۴ به دستور و حمایت اربابان گریگ صفت صهیونیستی خود در کشور عزیزتر از جان ما با انواع سلاح، قمه، چاقو و سنگ و ... و تخریب گسترده اموال عمومی

و کشتن افراد بی گناه از دختر سه ساله تا جوانان و مردان و زنان و نیروهای نظامی و انتظامی با وحشی ترین شیوه ممکن، از آتش زدن تا قطعه قطعه کردن بدن های مطهر و سر بریدن و...

آیا جهان فراگیر شدن ظلم، را درک می کند؟!!! آیا دیدن خروش مردم دنیا، نوید درک ظلم توسط آنان را می دهد؟!!!

آیا از خود سوال کرده اید: منشأ این همه خروش در جای جای دنیای شرق و غرب از ایالت های آمریکا گرفته تا کشورهای به اصطلاح مدعی مهد آزادی، تا کشورهای شرق و غرب آسیا از کجاست؟

بهتر بگوئیم چرا در بسیاری از کشورها، مردم خروش برآورده و فریاد «نه به ظلم» و «نه به ظالم» سر داده اند؟!!

با وجود آن که می بینند، هنوز هم ظلم پابرجاست و هم ظالم گستاخانه و بی شرمانه نه تنها به جنایات خود ادامه می دهد بلکه کسانی چون ترامپ و خاخام های صهیونیست، کماکان با عریده های خود به دنبال بلعیدن همه دنیا هستند، گرچه خود خوب می دانند که به پایان راه خود رسیده اند و چون مرگ خود را نزدیک می بینند،



مانند گرگ ها دور خود حلقه زده و زوزه می دهند. آری! گوئی زمانه گونه ی دیگری شده است و انسان های آزاده دیگر فریب

شعارهای زیبا اما سراسر دروغِ دفاع از آزادی و حقوق بشر آن‌ها را نمی‌خوردند، این بار دیگر نه تنها ظلم را خوب درک کرده، بلکه ظالم را هم به خوبی شناخته‌اند و آرام آرام می‌روند تا صف خود را از ظالمین و مستکبرین جدا کنند و گروه گروه و فوج فوج به سمتِ درستِ تاریخ، در حال کوچ هستند و این بیداری، ستودنی و نوید بخش یک پایان است.

حال این کلام از رسول گرامی اسلام ﷺ را در ذهن خود مجسم نمائید که می‌فرمایند: مَهْدَىٰ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ «مهدی امت من، کسی است که زمین را از قسط و عدل پر می‌سازد، همان سان که از ظلم و جور آکنده شده است.»



اما سوال این جا است که چرا اکنون این روایت را این گونه واضح درک می‌کنیم و خود را در آخرالزمان و درطلیعه ظهور منجی موعود می‌یابیم؟

چون اکنون ظلم را با تمام وجود خود درک می‌کنیم و ظالم را آشکارا می‌بینیم و مشاهده می‌کنیم که مردم با سرعتی وصف ناشدنی، در جای جای دنیا، صف خود را از آن‌ها جدا می‌کنند و فریادِ عدالت خواهی

آن‌ها به آسمان بلند شده و گمشده‌ی خود یعنی منجی را طلب می‌کنند. پس باید گفت: ظلم یک چیز است و درک آن، امر دیگری است. آن چه

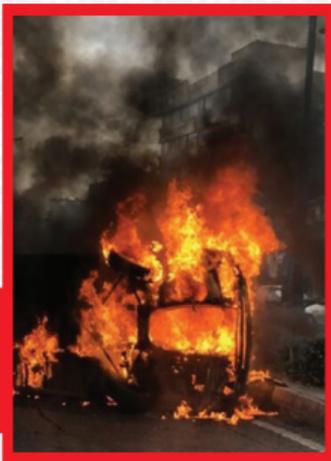
همیشه در بستر تاریخ بوده، ظلم است که اکنون هم هست، ولی هرگاه و هرجا ظلم درک شد و مردم ظالم را شناختند، علیه ظلم و ظالم بپا خاسته اند، اما چون فراگیر نبود، همیشه سرکوب شده و راه به جایی نبرده اند.

اما اکنون و در این زمان یا بهتر بگوییم آخرالزمان، با نصرت الهی درک ظلم، فراگیر شده و می‌رود تا همه‌ی عالم را فرا بگیرد و این بار دیگر ظالمین و مستکبرین و صهیونیسم جهانخوار هم قادر به کنترل و سرکوب آن نخواهند بود و این همان فریاد بلندی است که مسیر حرکت به سوی ظهور را به جهانیان نشان می‌دهد و منظور رسول خدا ﷺ در این روایت همین است که آن زمان، مهدی من می‌آید که بشریت ظلم را با تمام وجود درک کرده،

ظالم واقعی را بشناسد و صف خود را از او جدا کرده و علیه ظلم قیام نماید و با اراده و دست خویش قسط و عدل را اقامه نماید تا «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۶ را عینیت ببخشد و آن گاه خواهد بود که خود تغییر را به چشم خود خواهد دید زیرا «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۷

آری! اکنون چون مردم دنیا، ظلم را عریان و بی پرده می‌بینند و عده‌ای هم آن را با تمام وجود خود، درک و لمس می‌کنند، با رجوع به فطرت خود، دیگر تردیدی در دفاع

از مظلوم ندارند. لذا صف خود را از ظالمین واقعی و مدعیان دروغین عدالت،



جدا کرده و چونان موج‌های خروشان در حال جاری شدن هستند و می‌روند تا به هم بپیوندند و به یکباره به سیلی ویرانگر علیه ظلم و ظالمان و ستمگران تبدیل شوند و بنیان آنان را ویران کنند و زمینه را برای ظهور منجی فراهم نمایند و ان شاءالله راه را برای رسیدن به قله حاکمیت عدل و عدالت مهدوی هموار نمایند که **أَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ**^۸.

۱- خبرگزاری آریا، ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ به نقل از رویترز

۲- خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

۳- باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

۴- خبرگزاری بین‌المللی ابنا، ۱۴۰۴/۱۰/۲۳

۵- کمال‌الدین، ج ۱، ب ۲۴، ح ۳۷، ص ۵۳۴

۶- حدید/ ۲۵

۷- رعد/ ۱۱

۸- هود/ ۸۱



ذخیره الهی

من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است! نمی‌توانم بگویم شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست! ما ایشان را نمی‌توانیم با هر تعبیری، تعبیر کنیم، إلا همین که مهدی موعود^ع است، آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر.^۱

انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که میان انتظار ظهور و اعتقاد به ظهور، تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت‌های دیگر جهان، به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند، اعتقاد دارند، ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!^۲

نزدیک دیدن ظهور

یکی از وظایف بسیار مهم که دوستان بزرگوار و مؤمن باید در رابطه با وجود مقدس امام زمان^ع و مسئله‌ی ظهور خیلی به آن اهتمام بورزند، نزدیک



دیدن ظهور است. ما در روایات به عناوین و تعابیر مختلف این توصیه را از اهل بیت علیهم السلام داریم که ظهور را نزدیک ببینید.
 إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَتَرَاهُ قَرِيبًا؛^۳ دشمنان و مخالفان، آن (روز) را دور می بینند ولی ما آن را نزدیک می بینیم.^۴

زمینه سازی

ما نمی توانیم دنیا را از عدالت پر کنیم، چون نمی توانیم. او باید بیاید، اما ما باید زمینه را فراهم کنیم. [این موافق قرآن است]^۵

فراهم کردن مقدمات

اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی های منحرف، این است که برای ظهور آن بزرگوار، باید کفر و ظلم را زیاد کرد تا مقدمات ظهور فراهم شود، پس اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ!

نگویید بگذار تا امام زمان علیه السلام بیاید. شما نماز را هیچ وقت می گذارید تا امام زمان علیه السلام آمد، بخوانید؟ حفظ اسلام، واجب تر از نماز است. منطق حاکم شهر خمین را نداشته باشید که می گفت: باید معاصی و گناهان را رواج داد تا امام



زمان ع بیاید! (کدام آیه ی قرآن دستور به گناه داده است؟!)^۶

امید

کسی منتظر ظهور امام زمان ع می باشد که علاوه بر اعتقاد، امید و انتظارِ درک آن زمان را نیز داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید. تمام روایاتی که مسئله انتظار در آن ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ع دلالت می کنند.^۷

۱- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲

۲- سید مرتضی مجتهدی سیستانی، مقدمه کتاب صحیفه مهدیه

۳- معارج ۶ و ۷

۴- حجت الاسلام مسعود عالی، علائم ظهور و وظیفه منتظران ۲۷/۷/۱۳۹۳

۵- صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۱۳

۶- همان، ج ۲۱، ص ۴۴۷

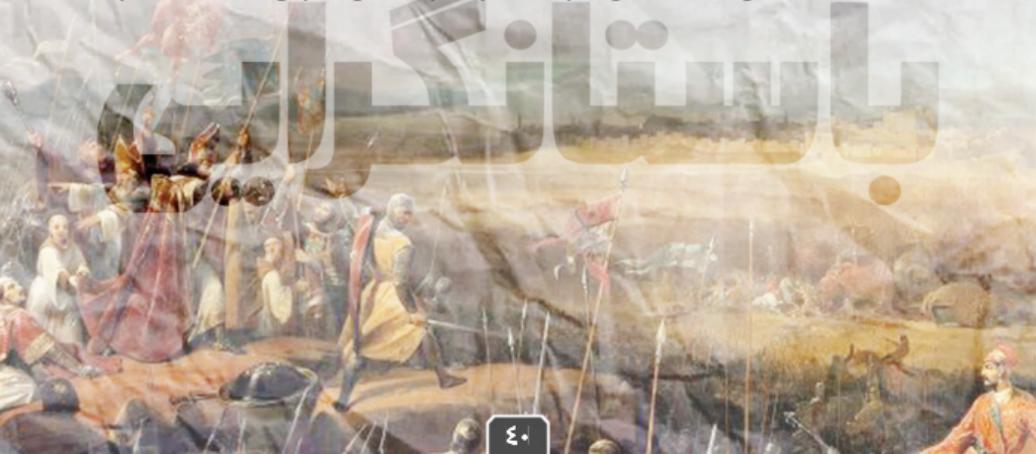
۷- سید مرتضی مجتهدی سیستانی، مقدمه کتاب صحیفه مهدیه



در شماره‌ی قبل به شبهه سلطنت طلبان در مورد اسلام آوردن ایرانیان پاسخ دادیم، آن‌ها که در جریان انقلاب اسلامی از مردم مسلمان ایران ضربه‌ی مهلکی خورده و حاکمیت رژیم‌ی که به وسیله استعمارگران ایجاد شده بود را از دست دادند، از این رو تمام تلاش خود را برای شبهه پردازی علیه مبانی اعتقادی یا تاریخی اسلام به کار بسته و با این وسیله تلاش می‌کنند، ذهنیت مردم را از اسلام دور کرده و حتی بدین وسیله افراد را جهت دشمنی با اسلام تربیت نمایند...

یکی دیگر از شبهات مطرح شده توسط آن‌ها سوء استفاده از یکی از روایات امام صادق علیه السلام است که به نام امام حسین علیه السلام همراه با یک ترجمه غلط به مخاطب خود القا کرده و مدت‌ها در فضای مجازی و رسانه‌ای توسط سلطنت طلبان بیان می‌شود.

داستان از این قرار است که آن‌ها تصویر یک روایت با ترجمه کاملاً غلط را به امام حسین علیه السلام انتساب داده و بیان می‌کنند که وجود مقدس حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام دشمن ایرانیان بوده و به این طریق با ایجاد تحریف



و شبهه، در صدد ایجاد خدشه به علاقه‌ی ایرانیان به ساحت ملکوتی امام حسین علیه السلام هستند.

۳ - حسین بن علی

فأما من قال: **الجم** هذه ضيعة الجريح من جرحي برجل الملعون استأجره أبو عبد الله عليه السلام بقرعة من قرعة بني أمية وشيئا من ماله
فإن **الجم** هو الجرح الذي جرحه الجرحي الملعون من مكانه فلهذا كان عمره يومئذ **سوارى الشار** في الأضراس من كنانة
الفرس للمدينة زادها الثعلب من الشيطان بمسألة لابي عبد الله عز وجل من أجل العمل السليل والضميمة التي في أكره في الأطراف

ما از تبار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی‌ها هستند. روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانیها را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت.

حسین بن علی، امام سوم شیعیان، صفة الجار و مدینة الاحکام و الامارة، نوشته حاج شیخ عباس قمی، صفحه ۱۶۶.

اما پاسخ به این شبهه:

- اولین ایرادی که به این روایت وارد است، سند روایت است. در سند روایت، شخصی به نام عثمان بن جبلة وجود دارد که جاعل حدیث است و جزء راویان ثقه کتب رجالی شیعه نیست.
- اگر بر فرض محال روایت از نظر سند صحیح باشد، به ایراد جالب تری می‌رسیم. در روایت آمده: (عن ضریس بن عبدالملک قال سمعت ابا عبد الله...) در این جا نام فردی به نام ضریس بن عبدالملک برده شده که مربوط به زمان امام صادق علیه السلام است و از طرفی ابا عبد الله نیز کنیه این امام می‌باشد و افراد شبهه پرداز به خاطر عدم سواد دینی، نسبت به روایات دچار چنین خبطی شده و تصور کردند، ابا عبد الله یعنی امام حسین علیه السلام در وجهی که در مصادر روایی کسانی که دانش علم فقه را دارند، می‌دانند در

بیان روایات وقتی از کنیه اباعبدالله استفاده می‌شود، منظور امام صادق (علیه السلام) است، نه امام حسین (علیه السلام). البته از این جماعت معاند بی‌سواد، بیشتر از این هم توقع نمی‌رود.

۳. ترجمه غلط روایت. در روایت آمده: «نحن قریش و شیعتنا العرب و عدونا العجم» ترجمه: ما از قریش هستیم و شیعه‌ی ما عرب و دشمن ما عجم است.

در این جا روایت تمام می‌شود و ادامه ندارد منتها با توجه به معنی لغت عرب و عجم در روایت، توضیحی از مرحوم مجلسی که این روایت را در بحارالانوار آورده، توسط شیخ عباس قمی اضافه شده که با ترجمه شبهه، زمین تا آسمان تفاوت دارد:

اولاً اضافه نمودن لغت (بیان) به معنی بیان نظر مرحوم مجلسی توسط محدث قمی است که در ترجمه شبهه (روشن است) صورت گرفته که باز بی‌سوادی و عدم درک شبهه پرداز، نسبت به ادبیات اصول فقه را نمایان می‌سازد. ترجمه غلط این است: (روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است). برای فهم درست از ترجمه و مفهوم جمله بیان شده که نظر علامه مجلسی در مورد روایت مورد نظر است باید به این نکته اشاره کرد که لغت عرب و عجم دارای یک معنا و یک اصطلاح است: معنای لغت عرب گویا و عجم گنگ است، علت آن هم فصاحتی است که در زبان عربی وجود دارد. لذا در اصطلاح به کسی که زبان آن عربی است، عرب یا همان گویا گفته می‌شود و به کسی که زبان آن عربی نیست، عجم گفته می‌شود و علت آن عدم آن فصاحتی است که در زبان عجم می‌باشد.

حال با توجه به این نکته، سراغ متن علامه مجلسی می‌رویم که ترجمه این است: عرب بودن (شیعه بودن، گویا بودن) مورد مدح است حتی اگر عجم باشد (قومیت او عجم باشد) عجم بودن (شیعه نبودن) مورد مذمت است از دشمنان ما هر چند عرب (قومیت او عرب) باشد. در این جا علامه مجلسی مشخص می‌کند لغت عرب و عجم در روایت امام صادق علیه السلام قالب معنایی دارد نه اصطلاحی.

اما این سوال مطرح می‌شود چرا امام صادق علیه السلام به این شکل مطلب را بیان نموده است؟ وقتی ما به شرایط زندگی ائمه اطهار علیهم السلام به ویژه امام صادق علیه السلام نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم با توجه به شرایط تقیه، برخی از روایات در قالب تلویح بیان شده و آن‌ها برای حفظ جان شیعیان و دوری از گزند دشمنان، مجبور به بیان مطالب به این شیوه بوده‌اند.

البته وقتی به نکته‌ی دیگری از شبهه نگاه می‌کنیم، باز غرض ورزی و بی‌سوادی شبهه پرداز، به چشم می‌خورد و آن هم این که نه در روایت، نه در توضیح علامه مجلسی، نامی از ایران و ایرانی به چشم نمی‌خورد. اگر بر فرض، توضیح علامه مجلسی را ما نادیده بگیریم و لغت عجم را معنایی ندانیم و آن را اصطلاحی در نظر بگیریم، باز می‌توان گفت: عجم هر غیر عرب است و مختص ایران و ایرانی نیست.

۴. قسمت دیگر متن که به نام امام حسین علیه السلام در آن ترجمه، غلط مطرح شده به غلامی و کنیزی گرفتن ایرانیان است که اصل آن این است: سو رأی الثانی فی الاعاجم قب: لَمَّا ورد سبى الفرس الی المدینه اراد الثانی ان یبیع النساء و ان یجعل الرجال عبید العرب و عزم علی ان یحمل العلیل و الضعیف

و الشيخ الكبير فى الطواف...

این جا محدث قمی نظر را بر خلاف ترجمه غلط منتسب به خلیفه دوم بیان نموده، نه امام حسین علیه السلام، لذا ایشان این چنین بیان کرده: نظر خلیفه دوم در مورد عجم‌ها در کتاب مناقب این است که هنگامی که اُسرای ایرانی را به مدینه بردند، خلیفه گفت: زن‌ها را به کنیزی بگیرید و مردان را به غلامی عرب‌ها، برای کمک در طواف به افراد بیمار و ضعیف و مُسن قرار دهید. جالب این که در متن شبهه ادامه این روایت حذف شده که آن حمایت تمام قد امام علی علیه السلام از اُسرا در مقابل خلیفه دوم است که حضرت به استناد روایت نبوی فرمودند: تکریم کنید بزرگان هر قومی را هر چند مخالف شما باشند و ...

۵. وجود آیاتی از قرآن مانند آیه ۵۴ سوره مائده که در تفاسیر و روایات ما در مدح ایرانیان بیان شده و روایات بسیار دیگری هم چون قرار گرفتن یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان از ایرانیان، گوشه‌هایی برای پاسخ به این شبهه و جعلیاتی است که تلاش می‌کند اسلام و ایرانی بودن را مقابل هم قرار دهد. به هر حال نکته مهم ما هستیم که نباید بدون دلیل، دل در گرو شبهات منحرفینی قرار دهیم که نه برای ایران و نه برای اسلام، ارزشی قائل نیستند و از هر ترفندی برای فریب افراد استفاده می‌کنند.

ادامه دارد

محمدعلی غیبی

مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی از مرحوم آقا سید علی اکبر موسوی خوئی پدر بزرگوار مرجع عالیقدر شیعه آیه الله العظمی سیدابوالقاسم خویی نقل کرده اند: زمانی از نجف اشرف به حله سفر کردم. هنگام عبور از میان بازار، چشمم به قبه مسجد ماندی افتاد که بر سر در آن نوشته شده بود: «هذا مقام صاحب الزمان». از اهالی حله علت نامگذاری آن را جویا شدم.

همگی به اتفاق آرا گفتند: این جا، خانه‌ی عالمی با تقوا به نام شیخ علی حلّوی بوده که همیشه در انتظارِ ظهور حضرت مهدی علیه السلام به سر می‌برده است. او پیوسته نسبت به امام زمان علیه السلام عتاب و خطاب کرده و می‌گفته است: غیبت شما دیگر ضرورتی ندارد. همه آماده ظهورند. پس چرا نمی‌آیید؟ در حالی که مخلصین شما در شهرها و اقطار عالم همچون برگ درختان و قطره‌های باران فراوان هستند! چرا ظهور نمی‌فرمایید تا دنیا را پر از قسط و عدل نمایید؟

منتظر واقعه

ایشان عاقبت روزی از رنج فراق سر به بیابان گذاشته و همان سخنان را تکرار می‌کند. در این هنگام، مردی بیابان گرد را می‌بیند که از او می‌پرسند: جناب شیخ، روی عتاب و خطابت با کیست؟

عرض می‌کند: روی سخنم با امام زمان علیه السلام حُجت وقت است که با این همه یار و یاور که بیش از هزار نفر آنان در حله زندگی می‌کنند و با وجود این همه ظلم که عالم را فراگرفته است، ظهور نمی‌کنند!

ایشان می‌فرمایند: ای شیخ، منم صاحب الزمان علیه السلام! با من این همه عتاب مکن! حقیقت چنین نیست که تو می‌پنداری. اگر در جهان ۳۱۳ نفر از یاران مخلص من باشند، ظهور می‌کنم، اما در شهر حله که می‌پنداری بیش از هزار نفر از یاوران من حاضرند، جز تو و فلان مرد قصاب، احدی در ادعای محبت و معرفت ما صادق نیست. اگر می‌خواهی حقیقت بر تو آشکار شود، به حله بازگرد و خالص‌ترین مردانی را که می‌شناسی، به همراه همان مرد قصاب، در شب جمعه به منزل خود دعوت و برای ایشان در حیاط خانه‌ی خویش مجلسی آماده کن. پیش از ورود مهمانان، به آن قصاب بگو دو بزغاله روی بام خانه ات ببرد و ببندد و آن گاه منتظر ورود من باش تا حقیقت را دریابی. چون فرمایشات حضرت به پایان رسید، امام از نظر شیخ غایب شدند. شیخ علی حلاوی، مسرور از این ماجرا، با خوشحالی فراوان به حله برمی‌گردد و نزد قصاب رفته و قضیه را با او در میان می‌گذارد. آن دو با کمک یکدیگر ۴۰ نفر را از بین ۱۰۰۰ نفری که آن‌ها را از ابرار و منتظران حقیقی حضرت صاحب الزمان علیه السلام می‌پنداشتند، انتخاب کرده و دعوت می‌نمایند که در شب جمعه به منزل شیخ بیایند تا به ملاقات امام عصر علیه السلام مُشرف شوند.

شب جمعه موعود فرا می‌رسد. مرد قصاب با آن ۴۰ نفر برگزیده، به خانه شیخ علی حلاوی آمده و در صحن حیاط می‌نشینند. همه با وضو، رو به قبله، در حال ذکر و صلوات و دعا در انتظار قدوم امام عصر علیه السلام لحظه شماری می‌کنند. شیخ علی و قصاب، طبق فرمان حضرت، قبلاً دو بزغاله را روی پشت بام بسته بودند و خود در صحن حیاط، در حضور میهمانان، تشریف فرمایی مولا را انتظار می‌کشیدند.

پاسی از شب که گذشت، به ناگاه همگی دیدند نور با عظمت و درخشانی که به مراتب از خورشید درخشنده تر بود، در آسمان ظاهر شد و همه جا را روشن کرد. سپس آن نور به طرف خانه‌ی شیخ علی آمد تا آن که بر پشت بام منزل قرار گرفت. دقایقی بیش نگذشت که صدایی از پشت بام، آن مرد قصاب را فراخواند. مرد قصاب امتثال امر کرده، برخاست و به پشت بام رفت و به خدمت حضرت شرفیاب شد.

امام به او فرمودند: یکی از این دو بزغاله را نزدیک ناودان ذبح کن، به طوری که تمام خونس از ناودان سرازیر و در صحن خانه جاری شود. مرد قصاب، فرمان امام را اطاعت کرد. وقتی خون، در حیاط جاری شد، آن ۴۰ نفر گمان کردند که حضرت مهدی علیه السلام مرد قصاب را گردن زده و این خون اوست که از



ناودان می‌ریزد.

پس از اندکی، صدایی از پشت بام به گوش رسید و شیخ علی حلاوی را احضار فرمود. شیخ برخاست و خود را به پشت بام رساند. دید مرد قصاب، صحیح و سالم روی بام در محضر امام ایستاده، اما یکی از دو بزغاله را سر بریده و خون بزغاله بود که در صحن حیاط جاری شده است. در این هنگام قصاب، به امر حضرت، بزغاله دوم را نیز نزدیک ناودان سر بُرید و بار دوم خون از ناودان به میان حیاط سرازیر شد.

وقتی آن ۴۰ نفر دوباره خون تازه را در صحن منزل جاری دیدند، گمانشان تبدیل به یقین شد و همگی مطمئن شدند که حجت بن الحسن ارواحنا فداه، مرد قصاب و شیخ علی حلاوی را به قتل رسانده و زود است که نوبت یک یک آن‌ها فرا رسد و ملاقات با امام زمان علیه السلام به قیمت جانشان تمام شود. از این رو بی درنگ از جا برخاسته و از منزل شیخ علی حلاوی گریختند. حضرت در این حال رو به شیخ علی کرده و فرمودند: اینک به حیاط برو و به آنان بگو که به پشت بام بیایند و با من دیدار کنند.

جناب شیخ، غرق شادی و سرور، برای دعوت حاضران پایین آمد، ولی اثری از آن چهل نفر برگزیده را ندید و دانست که همه فرار کرده اند. پس با ناامیدی و شرمندگی نزد امام بازگشت و فرار آن جماعت را به عرض مبارک حضرت رسانید.

حضرت فرمودند: جناب شیخ، این شهر حله بود که می‌پنداشتی بیش از هزار نفر از یاوران مخلص ما در آن هستند. پس چه شد کسی جز تو و این مرد قصاب باقی نمانده است؟ اینک سایر جاها را نیز به همین گونه قیاس کن!

این جمله را فرمود و از نظر آن دو، ناپدید گشت.
اینک در خانه جناب شیخ علی حلاوی، بقعه‌ای موسوم به مقام صاحب
الزمان علیه السلام ساخته شده است.^۱ که روی سر در ورودی آن، زیارت مختصری از
امام زمان علیه السلام نگاشته شده و از آن زمان تاکنون آن مقام شریف، زیارتگاه عام
و خاص است.^۲

۱- این مقام در بازار شهر حله مقامی معروف به مقام صاحب الزمان علیه السلام هست که علاقه مندان
حضرت برای زیارت و خواندن نماز، به آن جا می‌روند و دعای ویژه زیارت امام زمان علیه السلام را می‌خوانند.
قدیمی ترین سندی که بر وجود این مقام دلالت دارد، نوشته شیخ ابن هیکل حلی است که در سال
۶۳۶ ه ق ساخت مدرس هایی در کنار این مقام توسط «ابن نما» را نگاشته و نشان می‌دهد که
این مقام سالیانی قبل از آن نیز وجود داشته است. (تاریخ مقام الامام المهدي في الحله، ص ۶۲)
۲- العبقري الحسان في احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام، علی اکبر نهاوندی، ج ۲، صص ۷۷-۸۷

ادعا

می دانی! نمی شود ادعای انتظارِ حضرت را داشته باشی اما زمانی که دوستان به تو نیاز دارند، به آن ها کمک نکنی. نمی شود ادعای انتظار امام را داشته باشی اما مدت ها، خانواده ات، طعم محبت تو را نچشیده باشند. نمی شود ادعای انتظار حضرت را داشته باشی اما کلی کتاب روی هم تلنبار شده، داشته باشی که آن ها را نخوانده و از آن ها فقط برای دیزاین اتاقت استفاده کرده باشی. نمی شود ادعای دوست داشتن حضرت مهدی علیه السلام را داشته باشی اما در کنار آن تا نیمه شب با گوشیت در فضای مجازی، بیهوده گشت بزنی و نماز صبحت، قضا شود. منتظر بودن با دغدغهی خریدِ جهیزیه لوکس و نداشتن قناعت، در تضاد است...

آری! گاهی فقط تصور یار بودن حضرت را داریم، غافل از این که انتظار، جز با عمل به خواسته های حضرت، محقق نمی شود.

دیر رسیدم

می‌نویسم برای شما آقای مهربانم...
بخشید که دیر به شما رسیدم! به همه‌جا سر زدم، تمام راه‌ها
را رفتم تا فهمیدم، تنها کسی که دارم شما هستید، تنها کسی
که بی منت کمکم می‌کند، دستم را می‌گیرد، رها نمی‌کند،
شما هستید...

رنگ

می‌گفت: فکر و ذکر که امام زمان عج باشد، دلت امام زمانی
می‌شود، عقلت امام‌زمانی فکر می‌کند، تصمیم‌هایت امام
زمانی می‌شود، تمام زندگی امام‌زمانی می‌شود، کم‌کم رنگ
آقا را می‌گیری! خودت را درگیر امام‌زمان عج کن!! تا فکر گناه
هم طرفت نیاید.

غریب

با ذهنی درگیر، سخت مشغول انجام کاری بودم، اما به نتیجه
نمی‌رسیدم. با کلافگی دست از کار کشیده و آرام گفتم: یا
صاحب‌الزمان! ناگهان خجالت همه‌قلیم را گرفت. یادم آمد
آن قدر درگیر روزمرگی‌هایم شده‌ام که مدت‌هاست، یادی از

امام زمانم نکرده‌ام.

لحظه‌ای با تمام وجود، معنای غربتشان را فهمیدم. امام، غریب است که من پُر ادعا، خود را منتظر و عاشق ایشان می‌نامم، اما به یادشان نیستم، آخر! کدام عاشق، لحظه‌ای از یاد معشوق خود غافل می‌شود؟ آن هم معشوقی که آمدنش گره از کار همه انسان‌ها، باز می‌کند...

آمان از ما، که همچون غافلان در گیر و دار روزمرگی‌هایمان، ایشان را فراموش کرده‌ایم. باید باور کنیم شلوغی و سردرگمی و آشوب ذهن و دل همه مردم دنیا، حاصل عادت کردن به زندگی منهای یاد و ذکر و حضور حضرت مهدی علیه السلام است.

کار دنیا برعکس شده، آقا در انتظار ما نشستند که ما ایشان را بخوانیم تا جوابمان دهند، اما ما آن قدر بی‌وفا هستیم که گاهی حتی حضورشان را هم از یاد می‌بریم.

کاش صبحی نباشد، مگر این که به یاد ایشان بیدار شویم، کاش دعایی نباشد، مگر دعا برای ظهور ایشان.



گردهمایی ائمه جمعه استان با حضور و سخنرانی استاد حاج شیخ علیرضا حدائق
مسئول بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج فارس استان به مناسبت فرارسیدن
دهه مهدویت و اعیاد شعبانیه





برگزاری چهارمین گردهمایی فعالان مهدویت استان فارس در سالن شهید آیت‌الله دستغیب رحم مطهر حضرت احمدبن موسی شاهچراغ علیه السلام





برگزاری جلسه ستاد بزرگداشت ایام الله دهه فجر و جشن های نیمه شعبان
در محل شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان فارس





برگزاری نشست خبری دهه مهدویت استان با حضور قائم مقام بنیاد فرهنگی
حضرت مهدی موعود عج فارس





برگزاری مراسم جشن بزرگ نیمه شعبان در مسجد وکیل شیراز
با سخنرانی قائم مقام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج فارس





برگزاری همایش بزرگ مهدی یاوران و جشن بزرگ نیمه شعبان با حضور و سخنرانی
نماینده ولی فقیه در استان فارس و امام جمعه محترم شیراز همراه با
آیین پرچم گردانی پرچم حرم امام رضا علیه السلام - مهدیه بزرگ شیراز





برگزاری شاد پیمایی حماسه حضور برای ظهور به مناسبت فرا رسیدن نیمه شعبان از
میدان شهدا تا حرم مطهر حضرت شاهچراغ علیه السلام همراه با کاروان شادی
و گروه های سرود





برگزاری دعای پر فیض ندبه- مهدیه بزرگ شیراز





برگزاری مراسم پرفیض دعای ندبه به مناسبت دهه مهدویت همراه با نمایشگاه کتاب - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه شهرستان فسا





برگزاری جشن بزرگ نیمه شعبان با حضور پر شور مردم همراه با سخنرانی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری شاد - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه شهرستان خفر





برگزاری جشن باشکوه اعیاد شعبانیه همزمان با بزرگداشت دهه مبارک فجر انقلاب
اسلامی با حضور چهره‌های شاخص کشوری
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام شعبه شهرستان لامرد





سرکشی به موکب های شهر سعادت شهرو اهداء گل و هديه به خادمين موکب ها
در نيمه شعبان - بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود (عج) شعبه شهرستان پاسارگاد





برگزاری جشن نیمه شعبان همراه با سخنرانی، مولودی خوانی، شعر خوانی
بنیاد فرهنگی و مذهبی مهدی موعود (عج) شعبه میانشهر





برگزاری جشن باشکوه نیمه شعبان - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود 
شعبه شهرستان فرشبند





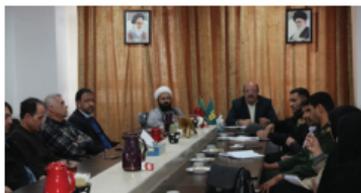
برگزاری کارگاه تخصصی مهدویت ویژه طلاب حوزه علمیه جوادالائمه به مناسبت دهه مهدویت - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) شعبه شهرستان فسا





برگزاری جلسه شورای فرهنگ عمومی شهرستان با محوریت برنامه‌ریزی بزرگداشت
چهل و هفتمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جشن‌های اعیاد
شعبانیه به‌ویژه نیمه شعبان، با حضور امام جمعه، معاونین فرماندار، بخشداران،
شهرداران منطقه، مسئول بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام و دیگر اعضای شورای
فرهنگ عمومی - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام شعبه شهرستان لارستان





برگزاری جلسه شورای فرهنگ عمومی شهرستان بوانات با محوریت برنامه‌ریزی
بزرگداشت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و جشن‌های
اعیاد شعبانیه به‌ویژه نیمه شعبان با حضور امام جمعه، فرماندار و دیگر اعضای
شورای فرهنگ عمومی
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج شعبه شهرستان بوانات





برگزاری همایش فعالان مهدویت - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج
شعبه شهرستان بوانات





همراه با
جوایز نفیس

مهدیه خانگ

پویش مجازی ویژه دانش آموزان



محورها

- برگزاری جشن خانگی
- نقاشی مهدوی
- شعرخوانی (فیلم)
- تقدیم یک کار خوب
- ساخت پادکست (با صدای خود دانش آموز)
- به امام (فیلم)

نحوه شرکت

شرکت کنندگان می توانند در سایت مهدویت فارس به نشانی bonyademahdi.ir مراجعه نموده و آثار خود را به تفکیک محورهای مشخص شده ارسال نمایند.

مهلت ارائه آثار: تا جمعه ۱۴۰۵/۱/۳۱

جوایز برگزیدگان

اعطای جوایز نفیس و ارزنده
تقدیر نامه مدیر کل آموزش و پرورش به نفرات برگزیده